«راه آهن نامتناهی» و مسافرت مرگبار پناهندگی؛ نیمه مرگ در پیچ کارخانه‌نشین

هفت روز در مسیر مرگ و زندگی؛ روایت ۶ پناهجو که از مرز کوهستانی گذشتند

نویسنده: مهندس شهرام کاوه‌نیا

□ بندر سرخه – ستاد ۷ مهندسی

ساعت ۴ بامداد در ایستگاه قطار بندر سرخه هنوز بوی نفت و آهن داغ می‌دهد. ۶ پناهجو که هفته‌ها در کوه‌های مرزی پنهان بودند، با لباس‌های چرک و کفش‌های پاره سوار قطار شدند تا به کارخانه‌های نساجی شهر برسند. این گزارش روایت سفر آنان از مرز تا کارگاه است و نام‌ها برای حفاظت از پناهجویان تغییر داده شده‌اند.

«راه آهن نامتناهی» نام رمزی است که مسافران به مسیر پنهان عبور از مرز کوهستانی سرخه به کارگاه‌های نساجی شهر می‌دهند. در این مسیر هر قطار مسافر، هر پل و هر تونل می‌تواند تفاوت میان زندگی و مرگ باشد. این گزارش بر پایه مصاحبه با ۶ پناهجو، دو راهنما و سه کارگر کارگاه تهیه شده است و نام‌ها و مکان‌ها به درخواست پناهجویان تغییر داده شده‌اند.

پناهجو نام رمزی است که مسافران به خود می‌دهند تا از مرز عبور کنند. در این گزارش چهار نام رمز به کار رفته: «سیمرغ»، «کبوتر»، «دره سفید» و «نامه». هر نام رمز به یک مسیر و یک گروه اشاره می‌کند. راهنما کسی است که مسیر را می‌شناسد و در ازای پول یا کار، گروه را از مرز تا کارگاه می‌برد. در این گزارش راهنما با نام رمز «کبوتر» معرفی شده است.

مسیر «کبوتر» از روستای تلخاب آغاز می‌شود و پس از ۳ روز پیاده‌روی به کارگاه نساجی «نور سفید» در حاشیه شهر سرخه می‌رسد. مسافران شب حرکت می‌کردند و روز در انبار کاه یا زیرزمین پنهان می‌شدند. هزینه هر نفر ۶۰ تا ۸۰ میلیون تومان بود و پول به حساب بانکی یک واسطه در مرز پرداخت می‌شد و تا رسیدن به کارگاه آزاد نمی‌ماند. این روش برای هر دو طرف ریسک است: اگر گروه گیر بیفتد، واسطه پولی نمی‌گیرد.

گروه شامل ۴ مرد و ۲ زن بود. سن مسافران ۱۹ تا ۳۴ سال است. دو نفر دانشجو بودند و سه نفر کارگر ساده. همه از مرز گذشته بودند و هیچ کدام مدرک رسمی نداشتند. این نداشتن مدرک بزرگ‌ترین مانع آنان است. بدون مدرک نمی‌توان قرارداد کار بست و بدون قرارداد کارگر بیمه نمی‌شود و بدون بیمه هر بیماری یا حادثه می‌تواند به اخراج منجر شود.

مسیر روز اول از میان جنگل و تپه‌های سنگی گذشت. شب دوم از کنار رودخانه‌ای که مرز طبیعی است. روز سوم وارد جاده فرعی شد و با کامیون کوچک به حاشیه شهر رسید. هر مرحله ۸ ساعت پیاده‌روی بدون آب کافی بود. یکی از مسافران پای راستش را در شب دوم پیچ خورد و ادامه داد با کمک دیگران. این صحنه نشان می‌دهد که همراهی در مسیر چقدر مهم است.

در کارگاه «نور سفید» ۱۲۰ کارگر کار می‌کنند و ۳۰ نفر از آنان بدون مدرک‌اند. صاحب کارگاه می‌داند که این کارگران ارزان‌اند و حاضر به اعتراض نیستند. دستمزد ماهانه ۴۰ میلیون تومان است، در حالی که حداقل دستمزد رسمی ۶۰ میلیون است. تفاوت ۲۰ میلیون تومان سود خالص صاحب کارگاه است. این عدد نشان می‌دهد چرا کارگاه‌ها به این مسافران علاقه دارند.

روز ششم گروه به کارگاه رسید. ساعت ۶ صبح دروازه باز شد و مسافران وارد انبار شدند. کار تا ۱۰ شب ادامه داشت. دستمزد روزانه ۱۲ میلیون تومان بود. یکی از مسافران گفت: «اولین شبی که حقوقم را گرفتم، فهمیدم هنوز زنده‌ام و کسی به من احتیاج دارد.» این جمله نشان می‌دهد که کار فقط درآمد نیست، احساس ارزش هم است.

سه ماه بعد، ۴ مسافر کارت موقت پناهندگی گرفتند و توانستند قرارداد کار ببندند. دو نفر دیگر هنوز در انتظار پاسخ‌اند. یکی از آنان به مرز برگشت تا خانواده‌اش را بیاورد. این تصمیم نشان می‌دهد که مسیر فقط یک بار طی نمی‌شود. برای برخی، مسیر رفت و برگشت است و هر بار خطر دوباره تکرار می‌شود.

هزینه کل مسیر برای هر نفر ۷۰ میلیون تومان بود. ۴۰ میلیون به واسطه پرداخت شد و ۳۰ میلیون از حقوق ماه اول کارگاه. این یعنی ۴ ماه کار بدون دستمزد. برای خانواده‌ها این مبلغ سنگین است و گاه با وام یا فروش دام جمع می‌شود. این گزارش نشان می‌دهد که مهاجرت کار فقط مسئله مرز نیست، مسئله بدهی و زندگی است.

گزارش ۲ مسیر جایگزین از کوه‌های شرقی را بررسی کرد که طولانی‌تر است اما کمتر گشت دارد. مسیر سوم از دریا است و خطرناک‌ترین است. هر مسیر برای گروه خاصی مناسب است. زنان و کودکان مسیر دریا را رد کردند. این تصمیم درست است. هر مسیر باید با توان کمترین عضو گروه سنجیده شود، نه با توان قوی‌ترین.

در پایان گزارش، ۳ پیشنهاد مطرح شد: ثبت رسمی کارگاه‌های دارای پناهجو بدون مجازات، صدور کارت موقت کار برای پناهجویان دارای مدرک، و کاهش هزینه واسطه‌ها از طریق بیمه رسمی. هیچ کدام هنوز اجرا نشده است. گزارش بعدی ۶ ماه بعد از این گزارش منتشر می‌شود و وضعیت ۶ نفر را دنبال می‌کند.

«راه آهن نامتناهی» و مسافرت مرگبار پناهندگی؛ نیمه مرگ در پیچ کارخانه‌نشین

مسافر ۶ و ۵ پناهجو که از مرز کوهستانی سرخه گذشتند، ۱۷ روز در کارگاه نساجی «نور سفید» کار کردند و سپس با کامیون کوچک به حاشیه شهر رسیدند. این گزارش مسیر، هزینه و خطرهای راه را با نام‌های مستعار روایت می‌کند و نشان می‌دهد چرا برخی مسافران حاضر نیستند دوباره برگردند.

«راه آهن نامتناهی» نام رمزی است که مسافران به مسیر پنهان عبور از مرز کوهستانی سرخه به کارگاه‌های نساجی شهر می‌دهند. این مسیر شامل پیاده‌روی در کوه، عبور از رودخانه و پنهان شدن در انبار کاه است. هر مرحله ۸ ساعت پیاده‌روی بدون آب کافی بود. یکی از مسافران گفت: «اولین شبی که حقوقم را گرفتم، فهمیدم هنوز زنده‌ام و کسی به من احتیاج دارد.» این جمله نشان می‌دهد که کار فقط درآمد نیست، احساس ارزش هم است.

راهنما در این مسیر ۲۰ سال است کار می‌کند و تا کنون ۴۰۰ مسافر را از مرز گذرانده است. او می‌گوید هزینه هر نفر ۶۰ تا ۸۰ میلیون تومان است و بخش بزرگ آن به واسطه‌ها می‌رسد. راهنما خود ۳ بار دستگیر شده و ۲ بار فرار کرده است. او می‌گوید ریسک برای هر دو طرف بالاست و هیچ کس تضمینی ندارد.

کارگاه «نور سفید» ۱۲۰ کارگر دارد و ۳۰ نفر از آنان بدون مدرک‌اند. صاحب کارگاه می‌داند که این کارگران ارزان‌اند و حاضر به اعتراض نیستند. دستمزد ماهانه ۴۰ میلیون تومان است، در حالی که حداقل دستمزد رسمی ۶۰ میلیون است. تفاوت ۲۰ میلیون تومان سود خالص صاحب کارگاه است. این عدد نشان می‌دهد چرا کارگاه‌ها به این مسافران علاقه دارند.

روز ششم گروه به کارگاه رسید. ساعت ۶ صبح دروازه باز شد و مسافران وارد انبار شدند. کار تا ۱۰ شب ادامه داشت. دستمزد روزانه ۱۲ میلیون تومان بود. یکی از مسافران گفت: «اولین شبی که حقوقم را گرفتم، فهمیدم هنوز زنده‌ام و کسی به من احتیاج دارد.» این جمله نشان می‌دهد که کار فقط درآمد نیست، احساس ارزش هم است.

سه ماه بعد